



فضای جدید عربی در منطقه بر اساس منافع مقاومت است

مرکز مطالعات الزيتونه در مقاله‌ای ضمن بررسی تأثیر موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی بر آینده فلسطین تأکید کرد که این فضا همگام با محور مقاومت منطقه خواهد بود.

مرکز مطالعات الزيتونه در مقاله‌ای ضمن بررسی تأثیر موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی بر آینده فلسطین تأکید کرد که این فضا همگام با محور مقاومت منطقه خواهد بود.

به گزارش فارس به نقل از پایگاه خبری و تحلیلی مرکز مطالعات الزيتونه، با وجود سیر نزولی و نیز محدودیت‌های خارجی و داخلی، مقاومت توانسته طی چندین مرحله، یک خط استراتژیک علیه رژیم صهیونیستی ترتیب دهد و گاهاً با انجام عملیات نظامی رژیم اشغالگر را با چالش‌های جدی مواجه سازد. رهبری فلسطین می‌تواند با فراهم نمودن برخی لوازم پیروزی مقاومت، نقش فعال خود را از سر بگیرد از جمله: توافق بر سر برنامه‌های ملی واحد جهت تحکیم صفوف امنیتی داخلی و آماده سازی مبارزان مطابق با مراحل درگیری، تعیین اهداف مرحله‌ای و استراتژیک جهت رویارویی و کسب تأیید ملت‌های عربی و اسلامی، تبدیل مقاومت به برنامه‌ای عملی برای ارتش این ملت و توقف هماهنگی امنیتی با دشمن.

* در سایه انقلاب‌های عربی، مقاومت فلسطین شاهد سیر صعودی خواهد بود

بر اساس مقاله این مرکز مطالعاتی، در سایه تغییرات عربی که منجر به انتقال قدرت به دست ملت گردیده، انتظار می‌رود مقاومت فلسطین شاهد سیر صعودی باشد که احتمالاً از طریق کاهش فشار مصر بر نوار غزه و نیز ظهور مقاومت یا ظرفیت‌های جدید برای مقاومت به هر شکلی آن هم در فضای استراتژیک پیرامون فلسطین جلوه پیدا کند. همچنین انتظار می‌رود حکومت‌های عربی جدید در کنار گزینه مقاومت قرار گرفته و درها به روی فعالیت‌های حمایتی مادی، رسانه‌ای و فرهنگی از مقاومت گشوده شود. مقاومت فلسطین مراحل و شرایط گوناگونی را پشت سر نهاده و واکنش آن نیز متناسب با شرایط هر مرحله متفاوت بوده است. پاره‌ای اوقات مقاومت سیر صعودی گرفته و پاره‌ای اوقات فروکش کرده و اغلب اوقات نیز حالت ثابتی داشته است. گاهی در رویارویی با تجاوزات رژیم صهیونیستی علیه لبنان و جنگ سال‌های 2008 و 2009 علیه غزه تبدیل به انقلاب و جنگ شده و "اسرائیل" را آزرده و گاهی در برخی مراحل چالش‌های استراتژیک واقعی را شکل داده که رژیم صهیونیستی ناچار به آمادگی استراتژیک برای مواجهه با آن شده است؛ درست بمانند انتفاضه الاقصی و گاه مانند مراحل عملیات استشهدای دهه نود قرن گذشته و دهه نخست قرن 21، پدیده‌ای نظامی را شکل داده است.

* نیروهای خارجی علیه مقاومت و در حمایت از رژیم صهیونیستی متحد شدند

در جریان این روند به نسبت طولانی، مقاومت فلسطین تحت تأثیر مسائل داخلی و خارجی در نوسان بوده است، اما علل داخلی همواره خطرناکتر بوده و تأثیر بیشتری بر پیکره‌ی مقاومت داشته است. از جنبه تمرین، آمادگی امنیتی، تاکتیک‌های نظامی و تسلیحاتی، جدیت بالایی در مقاومت فلسطین وجود نداشته و رهبری گروه‌های مقاومت در آمادگی دائم برای انقلابی ملزم به مطالبات اخلاقی- عملی برای مقاومت نبوده‌اند. شاید جدایی میان رویکردهای سیاسی مختلف عامل بارز این ضعف بوده است. بر اساس این گزارش، مقاومت هرگز تسلیم نیروهای خارجی نشده، نیروهایی که همواره در پی شکست مقاومت، از هم دریدن پیکره آن و تبدیل ملت فلسطین به انبوهی از گدایان بوده‌اند. نیروهای خارجی علیه مقاومت و در حمایت از رژیم صهیونیستی متحد شدند. حکومت‌های عربی بسیاری برای شکست مقاومت فلسطین تلاش کردند همانگونه که برای باقی ماندن کشورشان زیر سلطه استعمار، فقر و عقب ماندگی تلاش کردند؛ مقاومت سقوط‌های زیادی که ناشی از سیاست حکومت‌های عربی بوده را به خود دیده است، تا جائیکه برخی حکومت‌ها جانبداری از گزینه سازش را پذیرفته و عموم حکومت‌های عربی از طریق اعتماد به ابتکار عربی صلح کامل با رژیم صهیونیستی، در مقابل سازش توافقی با فلسطین، سیاست پیشین را دنبال کرده‌اند. در حال حاضر موج تغییر در عرصه عربی آغاز شده، برخی حکومت‌ها سقوط کرده و انتظار می‌رود مقاومت در شرایطی جدید، مخالف با شرایط پیشین تداوم یافته و از چندین جنبه تحت تأثیر این شرایط قرار بگیرد.

* سطوح مقاومت در برابر رژیم اشغالی

مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی شامل چندین سطح است:

1- تحریم؛ شامل تحریم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... این سطح از تحریم در توان هر کسی می‌تواند باشد و هیچ کس نمی‌تواند بگوید این کار از دستش بر نمی‌آید. هر کس می‌تواند از خرید کالای صهیونیستی خودداری کند، مگر اینکه بر اساس

قراردادی ملی چاره‌ای جز خرید کالای دشمن نباشد؛ این سطحی است که علی‌رغم گذشت دهها سال از اشغال فلسطین در سال 1967، هنوز مقاومت فلسطین موفق به تحقق آن نشده است.

2- نافرمانی مدنی در فلسطین اشغالی، شامل عدم حمل کارت‌های شناسایی صهیونیستی (کارت شناسایی که هم‌اکنون فلسطینیان در کرانه باختری دارند، شماره صهیونیستی دارد) و نیز عدم التزام به قوانینی که مربوط به اشغالگران بوده یا به نفع امنیت این رژیم است. این مسأله هم‌اکنون می‌تواند شکل بگیرد، چرا که با علم به اینکه این سطح از مقاومت نیازمند مردمی است که آگاه در احترام به نظام عمومی داخلی باشند تا آشوب حاصل نشود، و نیز نیاز به تشکیل گروه‌های مردمی است که متمایل به فداکاری برای سامان دادن به امور شهری مردم باشند.

3- انتفاضه، انتفاضه در چارچوب فعالیت‌های مقاومت نبوده، بلکه از اقدامات اعتراضی است و عبارت است از واکنش ملی ناگهانی حاصل از سرخوردگی شدید و وجود شکاف بزرگ در رویارویی با اشغالگران. زمانیکه عرصه از مقاومتان و افق‌هایی از اشغال خالی بماند، مردم خروج می‌کنند تا به هر طریقی شده از تنگنای داخلی سخن بگویند. از سال 1920 در فلسطین حدود 25 انتفاضه شکل گرفته است.

4- مقاومت مسلحانه: سطحی برتر و خشن‌تر بوده و از جنبه تاریخی مهم‌تر به حساب می‌آید. همچنین مقاومت مسلحانه در طرد اشغالگری و استعمار و نیز تحقق حق تعیین سرنوشت و استقلال ملی موفق‌تر بوده است.

* شاخصه‌های اصلی پیروزی مقاومت

برای اینکه پیروزی مقاومت بر اشغال و استعمار محقق شود، بایستی اصولی برای مقاومت فراهم شود، از جمله:

1- استحکام امنیتی: بایستی برای مقاومت، دقت و حساسیت امنیتی شدیدی فراهم شود تا عناصر فاسد، جاهل ویا مزدور که به نفع دشمن کار می‌کنند وارد عرصه نشوند. شکاف و خلل امنیتی بسیار خطرناک است حتی خطرناک‌تر از قدرت دشمن در جمع‌آوری اطلاعات توسط تجهیزات فنی. مزدوران و جاسوسان آقایی بسیار خطرناک هستند که مبارزان و پشتیبانان آنان را هلاک می‌سازند. گروه‌های فلسطینی در اخیراً در تقویت امنیت خود شکست خوردند و تنها طی سال‌های اخیر برخی گروه‌ها هستند که بر این مسأله متمرکز شده‌اند.

2- نیروی رهبری: نکته مهم این است که اگر مقاومت خواهان کسب تأیید است بایستی رهبری مقاومت در سطح اخلاقی بالایی باشد. بایستی رهبری مقاومت محکم و دارای رأی حکیمانه و قوی بوده و در آمادگی دائم برای فداکاری و عملیات علیه اشغالگری باشد. رهبری اخلاقی قادر است مردم را پیرامون خود جمع کند تا جائیکه تمامی گروه‌های جامعه پشتیبان مقاومت شوند نه اینکه فقط و فقط گروه‌هایی باشند جدای از مقاومت. مقاومت، رهبران اخلاقی بسیاری را تربیت کرده است.

3- آماده‌سازی مناسب مبارزان به گونه‌ای که بتوانند فنون مبارزه را در چارچوب جنگ مردمی و استفاده از تکنولوژی، کارشناسان و تجهیزات نظامی پیشرفته انجام دهند، این فعالیت‌ها باید که با ساختار فلسطین سازگار بوده و موجب آسیب رساندن به دشمن از نقاط ضعفش گردد.

4- روشن‌سازی هدف و تلاش در تحقق آن. روشن نبودن هدف تأثیری منفی بر مبارزان گذاشته و آنان را در معرض خطر و نابودی قرار می‌دهد و همین امر می‌تواند به راحتی تداوم مقاومت را به مخاطره بیندازد. این مسأله نیازمند روشن بودن هدف نزد رهبران مقاومت و برنامه‌ریزی فرهنگی آن هم در سطوح ملی می‌باشد تا بدین ترتیب همگان از همان هدف سخن بگویند. بهتر آن است که برای تضمین این اهداف زمینه‌سازی شده و از اجماع گروه‌های مختلف مقاومت بهره‌مند شود.

5- تلاش مستمر در دستیابی به تأیید ملت‌های عربی حامی مقاومت فلسطین؛ هدف از این اقدام حمایت و قدرت بخشی به مقاومت است. برای تحقق این هدف فلسطینیان باید خود را رهبر حامیان‌شان قرار نداده و بدین ترتیب در موفقیت این معامله و تحکیم عملی رهبری و رویارویی با رژیم صهیونیستی پیروز شوند.

6- توقف هماهنگی امنیتی موجود با رژیم صهیونیستی، که زمینه را برای کمک به نیروهای اشغالی در کشف اسرار مقاومت و دستیابی به فرماندهان آن و نابودی زیرساخت‌های مقاومت فراهم می‌سازد.

* جامعه عربی و مقاومت فلسطین

محیط عربی حداقل از زمان شکست 1967 محیطی مناسب برای مقاومت فلسطین نبوده، علت این امر آن است که سازمان‌های عربی تحت دایره نفوذ و ظلم غرب باقی مانده و انتظار نمی‌رود که محیط و شرایط مناسب برای مقاومت واقعی فراهم شود تا مقاومت بتواند توسط این کشورهای عربی علیه رژیم صهیونیستی وارد عمل شود، از سوی دیگر تمامی حکومت‌های عربی از رژیم صهیونیستی، غرب و اقدامات آنها علیه خود وحشت دارند لذا از اقداماتی که بر اثر حمایت از مقاومت و فراهم نمودن شرایط مناسب برای آنها، ایشان را در معرض فشار قرار دهد، اجتناب می‌ورزند. اما در سایه تحولاتی که ملت‌های عربی شاهد آن هستند می‌توان شاهد تغییرات زیر بود:

1- هم اکنون رهبری تغییرات در ملت‌های عربی به دست خود مردم است و مردم در مقایسه با حاکمان همواره نسبت به صلح، عزت و کرامت خود مشتاق تر بوده‌اند. حکام بنا بر منافع مسند قدرت خود گاهی در معرض فشار قرار می‌گیرند و ممکن است برای باقی ماندن در قدرت و رساندن میراث به فرزندانشان دست به معاملات می‌بزنند. هم اکنون مردم به ویژه در تونس و مصر زمام امور را به دست دارند و همین امر عامل دقت و رقابت می‌گردد تا مسئولین نتوانند مانند گذشته آزادانه عمل کنند. گاهی ممکن است ملت در معرض خطا و اشتباه قرار بگیرد اما پیشرفت امور، مسائل پنهان را نمودار ساخته و ملت با سرعت شکافها و خلل را پر می‌سازند.

2- ملت‌های عربی در مقایسه با حکام خود شوق و تمایل بیشتری به استقلال امت خود داشته و تبعیت، ذلت و سلطه دولتهای غربی را رد می‌کنند و قطعاً این مسأله پس از ثبات اوضاع داخلی کشورهایی که انقلاب در آنها به پیروزی رسیده نیز ادامه خواهد داشت.

3- ملت‌های عربی در مقایسه با حکامشان به یکدیگر نزدیک‌ترند. سازمان‌های عربی به دلایل بسیار از جمله منافع شخصی و نداشتن قدرت در تصمیم‌گیری و کرنش در برابر قدرتهای خارجی از یکدیگر جدا افتاده‌اند. این امر سبب شده این ملت‌ها تا حدی از هم جدا بیفتند که حتی در مسائل ثانوی هم وحدت ایشان از سطح قابل قبولی برخوردار نباشد. اما ملت‌های عربی در درون خود احساس وحدت، اخوت و سرنوشت مشترک را دارا هستند و این احساس در سیاست‌های عملی آنها متبلور خواهد شد و تغییراتی را بر اساس همکاری عربی ایجاد خواهد نمود و قطعاً در عملکرد اتحادیه عرب منعکس خواهد شد. ملت‌های عربی غم‌های خویش را به صورت شبه جمعی اداره می‌کنند و آرزوهایی که طی دهه‌های گذشته در درون اعراب بزرگ شده راه رشد خود را پیدا خواهد نمود.

4- تعیین شاخصه‌های سازمان‌های جدید عربی مطابق معیارهای انتخابات و آزادی انتخاب انجام خواهد شد و این نکته درستی است که آزادی انتخاب نیازمند زمان است تا تبدیل به یک روش شود، اگر چه صرف شروع، بهتر از باقی ماندن زیر سلطه حاکمان و دستگاه‌های امنیتی است؛ از وظایف انتخابات دوره‌ای آن است که اگر ملت در مسیر خود اشتباه کرد، آن را اصلاح نماید.

5- موج کنونی کشورهای عربی فقط منجر به تغییر در دولت‌هایی در معرض انقلاب نخواهد شد، بلکه تغییراتی را نیز در کشورهای عربی که مردم در آنها به حرکت نیفتاده‌اند ایجاد خواهد نمود؛ علت آن است که آنچه در کشورهای انقلابی به راه افتاده، باعث ایجاد فشار بر حکومت‌های آرام خواهد شد زیرا این موج تغییر تمامی کشورهای عربی را در بر خواهد گرفت.

6- قابل توجه است که "رژیم صهیونیستی" رژیمی است که از جانب انقلابیون رد و طرد شده است. مردم مصر، تونس، لیبی، یمن و بحرین شعارها و فریادهایی را علیه رژیم صهیونیستی و کسانی که با این رژیم تعامل دارند سر داده‌اند و انتظار نمی‌رود که این رژیم در میان آنها مقبول واقع شده و یا تعامل با آن از سوی حکومت‌های جدید تسهیل و ممکن شود.

7- مهمترین بعد تمامی انقلاب‌های عربی متعلق به بعد اخلاقی آنها می‌باشد که ملت‌ها برای دفاع از آزادی خود برخاسته و با قدرت مقابل دزدی، تبعیت، استبداد، فساد، فریب و بهره‌کشی از مردم ایستاده‌اند. این انقلاب‌ها، حرکت‌های اخلاقی هستند که مرحله جدیدی از تاریخ معاصر عربی را شکل می‌دهند و برای کسانی که متمسک به ارزش‌هایی همچون فعالیت جمعی، همکاری، آزادی و همبستگی هستند این امکان وجود ندارد که در امور خود کوتاهی کنند و یا تسلیم نیروهایی شوند که حقوقشان را سلب کرده و بر کشورشان چیره می‌شود. این همان چیزی است که از جنبه اخلاقی و عملی برای فلسطینیان منعکس خواهد شد.

* تعامل مقاومت فلسطین با اوضاع جدید عربی

سؤالی که هم اکنون مطرح است این است که آیا مقاومت فلسطین قادر است با اوضاع جدید عربی که ویژگی‌های آن در بالا آمده تعامل پیدا کند؟ اکنون که عرصه جوامع عرب تبدیل به میادین آزادی، آزادی و تغییر شده، آیا مقاومت فلسطین خواهد توانست مفاهیم جدیدی را برای عمل پیدا کرده و شیوه‌هایی متفاوت از گذشته را در پیش بگیرد؟ آیا مقاومت خواهد توانست ملت‌های عرب را از بعدی جدید خطاب قرار دهد به گونه‌ای که منجر به جمع شدن نیروهای عربی در حمایت از مقاومت گردد؟ همانگونه که اشاره کردیم مقاومت فلسطین در گذشته تعامل مطلوب با ملت‌ها نداشته و وارد درگیری با سازمان‌های عربی شده است؛ آیا هم اکنون طرح و برنامه این گروه با گذشته فرق خواهد داشت؟ از کسانی که قصد استفاده از این تغییرات را دارند انتظار می‌رود گام‌های زیر را اتخاذ کنند:

1- خارج نمودن مسأله فلسطین از بعد فلسطینی آن، یعنی از محدود نمودن این مسأله به فلسطینیان. در سایه فلسطینی سازی آرمان فلسطین ممکن است مردم گمان کنند که دیگر اعتمادی به مقاومت ندارند و سازمانهای عربی همان مراکز حل حقوق ملی فلسطینیان هستند.

2- تمرکز بر مقاومت از درون فلسطین، که در این زمینه نوار غزه نقش پیشگامی خواهد داشت. در کرانه باختری نیز باید عملیات سازش متوقف و به اندیشه مقاومت بازگشت. مردم در کنار طرف فلسطینی که تفاهم امنیتی با اسرائیل داشته باشد، نخواهند ایستاد.

3- تنظیم برنامه‌ای که مقاومت را جزئی لا ینفک از فعالیت‌های مردم به سمت آزادی سرزمین عربی و طرد استعمار غربی از منطقه عربی قرار دهد.

4- تخلق به اخلاق رهبری و جدایی کامل از عقب‌ماندگی، تعصب و باج دهی. این مسأله نیازمند تکامل اخلاق حمل سلاح، استحکام امنیتی و احترام به مواضع جغرافیایی می‌باشد که مقاومت در آنجا حضور دارد.

5- محقق ساختن وحدت ملی فلسطین بر اساس ایده مقاومت و نه سازش، وحدت مقاومت فلسطین زیر سایه رهبری نظامی واحد که به رویارویی با رژیم صهیونیستی ایمان داشته و در قضایای فلسطین پاسخی به سازش‌های سیاسی ندهد، نیز از دیگر موارد قابل توجه در این زمینه است.

* اقدامات مورد انتظار در کوتاه مدت و بلند مدت

1- در کوتاه مدت، مردم مصر برای رهایی تدریجی از پیمان کمپ دیوید که اختصاص به صحرای سینا دارد و نیز پیمان گازی بسته شده با رژیم صهیونیستی فشار خواهند آورد. همین مسأله را در جریان انفجار لوله‌های انتقال گاز مصر به اسرائیل شاهد بودیم و نیز حکومت موقت مصر برای کاهش فشار بر نوار غزه و نیز کاهش تعقیب و پیگرد کسانی که از طریق راه‌های زیرزمینی، مهمات و سلاح به غزه قاچاق می‌کنند، اقدام خواهد نمود. عملاً نیز شاهد این قبیل اقدامات بوده‌ایم؛ مقاومت عربی در صحرای سینا هوایی را تنفس می‌کند که نسبت به گذشته کمتر آلوده است.

2- در طولانی مدت، مقاومت فلسطین از طریق دریایی در زمینه رسانه‌ای و فرهنگی از چندین فضای عربی استفاده خواهد کرد و قادر خواهد بود به آسانی و راحتی با مردم ارتباط برقرار سازد، به گونه‌ای که حمایت مادی و معنوی مردمی، بهتر از آنچه اکنون هست، برای مقاومت فراهم می‌شود. سازمان‌های جدید با فشارهای جدیدی از سوی دولتهای غربی جهت توقف فعالیت مقاومت در کشورهای عربی مواجه خواهند شد، اما اراده مردم قویتر خواهد بود و زمینه برای مقاومت فلسطین فراهم خواهد شد تا بعد عربی خود را در سطوح مختلف رسمی و غیر رسمی به دست آورد. و این در نهایت بر سازمان‌های مختلف عربی از جمله اتحادیه عرب منعکس خواهد شد تا به تعامل با گروه مقاومت و نه گروه سازش مایل گردد. این بدان معناست که مقاومت از مشروعیت عربی برخوردار شده و با میز مذاکرات با رژیم صهیونیستی طرف نخواهد بود.

* پیشنهادات

1- بازسازی ساختار درونی فلسطین و تعیین اولویت فعالیت‌های ملی به گونه‌ای که جایگاه و نقش شاسیته مقاومت به آن بازگردانده شود.

2- دوری گروه‌های فلسطینی از روش‌های متعصبانه و گزینشی؛ و ارتقا به سطحی پروژه آزاد سازی را فعال کند.

3- ایجاد روابط رسمی با سازمان‌های عربی جدید و هر پایگاه عربی رسمی دیگر و فعال سازی آن و باز شدن درب به روی نخبگان و نیروهای پویای عربی که از گزینه‌های ملی مردم فلسطین حمایت کنند.

4- تکمیل استراتژی‌های جدید برای مقاومت که تمامی سطوح را در نظر بگیرد: تمامی اشکال تحریم، عصیان مدنی، انتفاضه ملی و مقاومت مسلحانه از جمله این راهکارها خواهد بود.

5- تلاش در فعال سازی روش‌های توقف عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی و فشار بر طرف‌هایی که از این رژیم حمایت مادی و معنوی می‌کنند.

6-تبدیل برنامه آزادسازی فلسطین و بازپس گیری حقوق غصب شده آن به برنامه کاری روزانه ارتش ملت‌های عربی و اسلامی و تمامی آزادگان جهان.